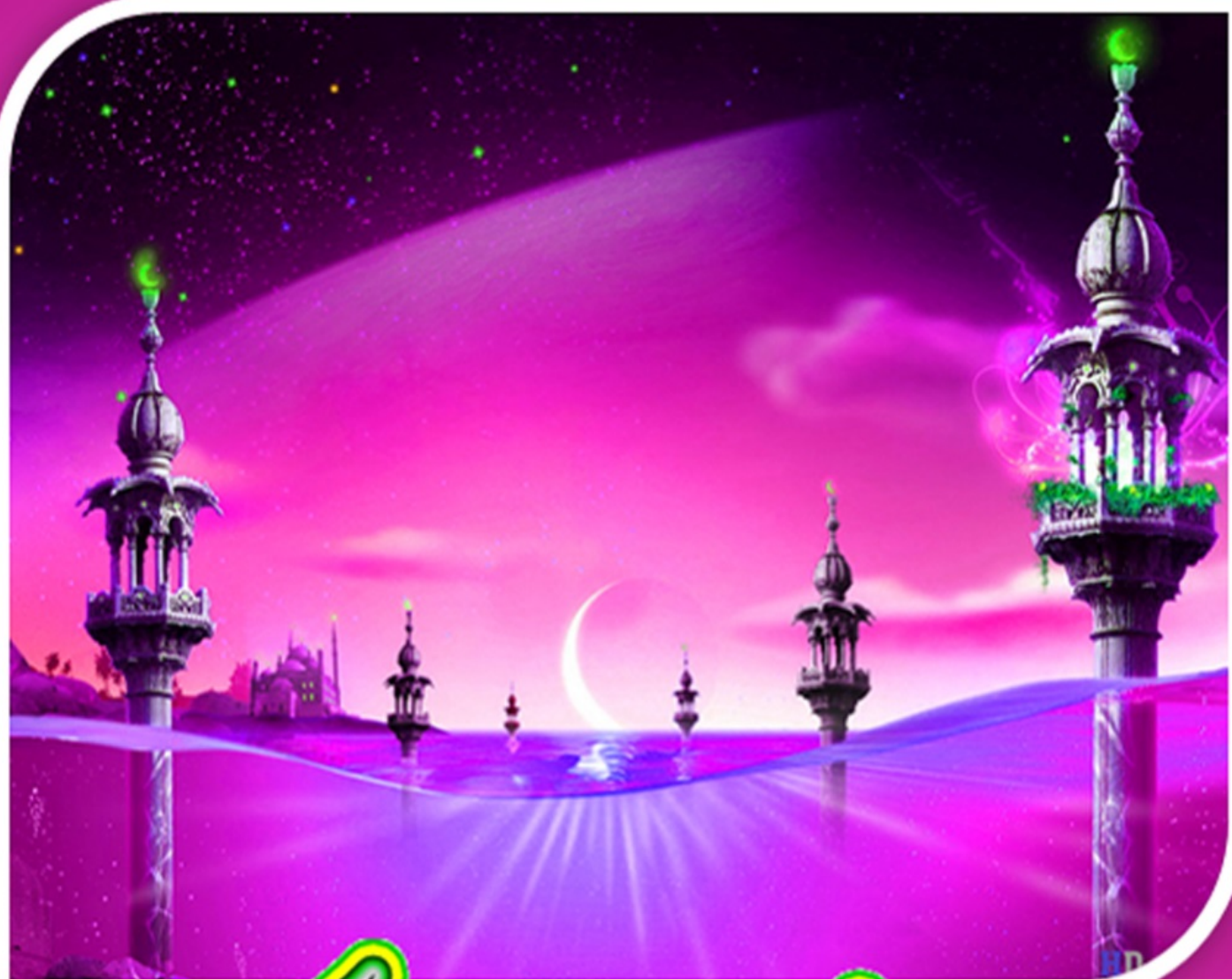


تسبیح در شریعت اسلامی



عید سعید فطر بر همه مسلمانان جهان مبارک



تتبع و نگارش :

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

تسبیح در دین مقدس اسلام

فهرست مندرج :

- تاریخچه تسبیح
- عدد دانه های تسبیح در ادیان
- تسبیح اسلام
- آیا استفاده از تسبیح بدعت است

کلمه تسبیح در زبان عربی به الفاظ (**سُبْحَه و مُسْبَحَه**) ذکر گردیده است. سُبْحِیح، یا سَبْحَه، عبارت از ، دانه‌های نباتی ، ودانه های سنگی و یا دانه های شیشه است که مسلمانان توسط آن بعد از ادای نماز ویا هم در وقت های مختلف مصروف ذکر پروردگار خویش میگردند ، و برخی هم در مساجد تعداد اذکار خویش را بر آن می شمارند .

خواننده محترم !

میخواهم درین نوشته ومقاله موضوعات را در مورد اینکه اولین بار تسبیح توسط کدام انسانها مورد استفاده قرار گرفته؟ تسبیح چگونه به ادیان آورده و مروج شد؟ مسلمانان از کجا به تسبیح رو آوردند؟ واینکه استعمال تسبیح برای اذکار از روش پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میباشد ویا اینکه استعمال تسبیح بدعت است طوریکه برخی از علما ی اسلام بدان عقیده دارد؟ مورد بحث قرار دهم .

تاریخچه تسبیح:

در مورد اینکه تسبیح توسط کدام یکی از مردمان جهان برای کدام هدف ومنظور اختراع ومورد استفاده قرار گرفته است، اطلاعات دقیق وهمه جانبه در نوشته محققین در دست نیست، اما در نوشته های برخی از علماء ونویسندگان ومحققان، بر این امر تاکید شده

است که تسبیح ظاهراً در بسیاری از تمدنهای گذشته و قدیم وجود داشته و انسانها معمولاً از آن وسیله ای برای ثبت اعداد، روزها، هفته ها و ماه ها مورد استفاده قرار میدادند .

محققان مینوسند که: تا آنجای که بشریت میداند تسبیح در بسیاری از جوامع قدیم مانند یونان، روم، مصر و هند از تسبیح برای نگهداشت روزهای تاریخی و جشن های ملی و دینی و در برخی از اوقات برای طلسم و تعویذ و وسیله تغال و تزیین، یا نشانه ورود به مرحله ای خاص در ادیان مورد استفاده قرار میگرفت.

حتی برخی از محققان در مورد تسبیح مینوسند که از تحقیقات بدست آمده طوری معلوم میشود که در برخی از کشور های افریقا مرکزی زنان حامله دار از تسبیح برای شمردن روزه و ماه ها حمل، ومدت حمل خویش استفاده بعمل میاوردند و به اصطلاح از تسبیح برای حساب و محاسبه زمان حمل داری استفاده میکردند.

اما با گذشت زمان و تحول و پیشرفت حتی همین مردمان از وسیله تسبیح در امور حمل ازدواج کمتر و محدود استفاده بعمل آورده و امروز تسبیح نه بحیث وسیله ای ماشین حساب بلکه تسبیح، بیشتر در امور دینی و مذهبی عبادات و اذکار مورد استفاده قرار میگیرد.

اگر تاریخ ادیان را در بخش اذکار و ادوار مورد مطالعه قرار دهیم ، در خواهیم یافت که ، اکثرآ پیروان ادیان در اجرای مراسم و عبادات دینی و مذهبی خویش از دانه های تسبیح و یا سنگ ریزه های مشابه به دانه های تسبیح ، استفاده بعمل آورده اند .

اکثریت نویسندگان و محققان که در مورد تاریخچه تسبیح تحقیقات نموده اند مینویسند: که کهن ترین سند مکتوب مربوط به استفاده از تسبیح، در متون و ادبیات هندی بطور آشکارا به نظر میرسد که به رواج استفاده از تسبیح میان برهمنها اشاره می کند.

در فلسفه بودا، هر بودایی با در دست داشتن تسبیح به مثابه جزئی از کل و دانه های مهره ای کنار مهره های دیگر رشته ای را تشکیل می دهد که نهایتاً به زعم شان به بودا متصلشان می کند.

تسبیح در ادیان و مذاهب مختلف مانند اسلام، رومن کاتولیک، مسیحیت ارتدکس، بودئیسم، هندوئیسم ،سیخیسم و بهایی برای شمردن عدد تسبیحات ، ذکر و دعا، مناجات (و نیایش ها) بکار میرود.

همچنین از آنها برای مدیتیشن و عبادت، محافظت در مقابل انرژی های منفی و آرامش استفاده می کنند.

برخی از محققان پیدایش تسبیح را به ادیان مسیحیت و برخی دیگری از نویسندگان پیدایش تسبیح را به هندویسم نسبت میدهند ولی به احتمال تعداد زیاد از نویسندگان از دین مسیحیت به سایر ادیان راه یافته است.

عدد دانه های تسبیح در ادیان:

عدد دانه تسبیح مسلمانان معمولاً به 33 دانه یا 99 دانه (تعداد نامهای پروردگار، اسم از اسماء الحسنی) میرسد.

تسبیح بو دایبها بنام (جاپا مالایا مالا) شهرت دارد و تعداد دانه های تسبیح شان معین نیست. اما تعداد تسبیح هندوهای برهمن و سیخها معمولاً به (109) دانه بالغ میگردد. تسبیح مسیحیان بنام (رزاری) شهرت دارد، تعداد دانه های تسبیح مسیحیان کاتولیک و آنگیکان (یا به اصطلاح دانه های رزاری شان) از (54 دانه + 5 دانه اضافی تشکیل) گردیده است.

ولی تعداد دانه های تسبیح ویا رزاری مسیحیان ارتدکس ایرلند به (100) دانه میرسد، ارتدکس ها معمولاً از تسبیح، برای شمارش نمازگزاران از «تسبیحهای نذرانه» استفاده می کنند.

وطوریکه گفته شد، تعداد دانه تسبیح شان به 100 دانه بوده، همچنان مسیحیان ارتدکس از طنابهای دعا (prayer ropes) که تعداد دانه های شان به 50 یا 33 دانه میرسد، نیز مورد استفاده قرار میدهند.

قابل تذکر است که: رزاری اصلاً از کلمه لاتین رزاریوم (rosarium) گرفته شده و به معنی باغ رز میباشد.

تعداد دانه های تسبیح یهودان معمولاً به 32 دانه ویا 99 دانه میرسد. یهودان امروز در استعمال تسبیح تحت تاثیر مسیحیان قرار گرفته اند، اگرچه در بین یهودان استعمال تسبیح تقریباً از بین رفته و فقط در روز سَبْت (شنبه) که روز مقدس یهودان میباشد، عموماً تسبیح برای سرگرمی و وقت گذرانی و احیاناً برای سرگرمی مورد استفاده قرار میگیرد.

تسبیح اسلام :

محققان بدین باور اند که که مسلمانان به گمان اغلب تسبیح را از بوداییها ی هند گرفته باشند، ولی برخی دیگر از محققان بدین باور اند که مسلمانان تسبیح را از مسیحیان به ارث گرفته اند.

آیا استفاده از تسبیح بدعت است :

درمورد اینکه تسبیح بخاطر ذکر و اذکار بخصوص بعد از نماز سنت است یا بدعت ، اکثریت مطلق از علماء، مفسران و در جمع اکثریت مطلق فقها و مجتهدین ، استفاده از تسبیح را برای ذکر کردن چه بعد از نماز باشد و یا هم در اوقات دیگر غیر نماز باشد بدعت و یا هم حرام نمیدانند ، ولی همه علماء در این مورد متفق القول حکم میفرمایند که : استعمال تسبیح خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم میباشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم ذکر خداوند مانند تسبیح، تحمید، تکبیر و غیره را با انگشتان دست راستش انجام میدادند.

و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است : « **اعقدن بالأنامل، فإنهن مسئولات، ومستنطقات** ». (روایت احمد و اهل سنن)، یعنی: « (ای زنان)، ذکر (الله) را با انگشتهایتان انجام دهید زیرا از آنها (در روز قیامت) سؤال میشود و صحبت میکنند، یعنی شاهی بر کار خیر بنده در روز قیامت خواهد بود.

همانطوریکه که گفته شد تسبیح بدعت دینی نیست چون انسان عبادت الله را با آن انجام نمیدهد، هدف از استفاده از تسبیح محفوظ نگه داشتن شمارش اذکار است. پس گفته میتوانیم که تسبیح وسیله است نه مقصود.

ولی همانطوریکه که گفته شد مسلمانان وبخصوص نمازگزاران به متابعت از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم، تسبیحات را باید با انگشتان خود بشمارد، طوریکه پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد با صراحت فرموده است « **لَأَنَّهِنَّ مُسْتَنْطَقَاتٌ** » ابوداود 1501 . «انگشتان سخنگو هستند» در روز قیامت شهادت می‌دهند.

عامل دیگری که از ذکر با تسبیح در شرعیت اسلامی چندان توجه بدان بعمل نه آمده است، این میباشد که در اذکار با تسبیح ، انسان توجه اساسی خویش را به دانه های تسبیح و احیاناً به صدای دانه های تسبیح متمرکز میسازد، ولی قلب، فکر، چشم و گوش

اش به جای دیگری مشغول می‌باشد ، و فکر تکمیل عددی می‌باشد که توسط تسبیح برای اذکار خویش تعیین نموده است، بناً همه سعی و کوشش اش در اینست که ذکر تعیین شده خویش را پوره کند .

استفاده از تسبیح برای شمارش اذکار مانعی ندارد، ولی اگر اعداد آن تسبیح بگونه ای باشد که فرد بپندارد باید حتماً آن تعداد را شمارش نماید، در اینحالت عمل او بدعت است. مثلاً نماز گزار همیشه در ذهن خویش این را در نظر می‌گیرد ، که تسبیح اش دارای 60 دانه می‌باشد ، بخاطر آنکه تعداد اذکار از یاد اش نرود کوشش بخرچ می‌دهد که هر بار باید ذکر سبحان الله 60 بار بزبان آرد ، نه کمتر و نه بیشتر از آن چرا که اذکار مقید به عدد معینی تسبیح 60 دانی گردیده است ، در حالیکه تعیین عدد و مقید ساختن این عبادت به ارقام ، در دین مقدس سالام بدعت می‌باشد ، زیرا محدود کردن ذکر **سبحان الله** به عدد شصت در شریعت وارد نشده است، ولی اگر فردی حساب را فراموش می کند، او می تواند تسبیحی با 33 دانه در اختیار داشته باشد تا هر بار پس از نمازهای فرض اذکار (**سبحان الله**) و (**الحمد لله**) و (**الله اکبر**) را یک دور بخواند. ولی طوریکه که گفته شد برای شخص مسلمان لازم تا به پیروی از سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم بهتر با دستهایش اذکار را بشمارد.

همچنان ملاحظه فرموده باشید که آنده از کسانی که ذکر را صرف توسط دانه های تسبیح انجام می‌دهد ، صرف در زبان مصروف گفتن اذکار می‌باشد ، و قلب اش طوریکه لازم از ذکر اذکار غافل میماند و یا بدون اهتمام و توجه قلبی این اذکار صورت می‌گیرد ، ولی در ذکر با انگشتان توجه و اهتمام قلب در اذکار بیشتر حاصل می‌گردد.

سومین مسئله‌ای که علما در ذکر با انگشت بدان تاکید می‌ورزند اینست که در ذکر با تسبیح ریا بعمل می آید . هستند افرادی که چون ذکر را دوست دارند يك تسبیح با دانه های صدا دار با خود داشته می‌باشد برای دیگران در، زبان حالشان می‌گوید: نگاه کنید ما به اندازه همه این دانه ها الله تعالی را تسبیح می‌گوییم. از الله تعالی آمرزش می خواهیم از این که ایشان را متهم کنم ولی از این کار آنها واهمه می‌دارم.

با توجه به موارد ذکر شده مناسب است تسبیحات به انگشتان صورت گیرد و نه بر دانه های تسبیح .

مسئله دیگری که شایان ذکر می‌باشد این است که تسبیحات را باید با انگشتان دست راست شمارش نمود. بخاطر اینکه سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که با دست راست تسبیح می‌گفت. بدون شك دست راست از دست چپ بهتر است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از غذا خوردن و آشامیدن با دست چپ نهی کرده و انجام این کارها را با دست راست امر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «**يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ**» (ای پسر! بسم الله بگو و با دست راست بخور و از جلوی خودت بخور). بخاری 5376 - مسلم 2022.

و می‌فرماید: «**إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ**» (هر گاه انسان غذا می‌خورد با دست راست میل کند و هر گاه آب می‌نوشد؛ با دست راست بنوشد چرا که شیطان با چپ می‌خورد و می‌نوشد).

لذا به خاطر پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بهتر است که انسان با دست راست تسبیح بگوید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام کارهای مهم و حیاتی که دوست میداشت با دست راست انجام دهد؛ پوشیدن بوت‌ها، شانه زدن مو و غیره ...

خواهران و برداران محترم!

با دلایلی مؤجّز که در فوق تذکر رفت حکم اسلامی اینست که ، ذکر با تسبیح در دین مقدس اسلام بدعت نیست. چون منظور از بدعت... بدعتی است که در دین باشد و هدف از ذکر با تسبیح، محفوظ نگه داشتن عدد تسبیحات است که تسبیح برای این کار وسیله مناسبی است. اما در ضمن گفته شد که شماریدن اذکار با انگشتان سنت و بهتر است. ولی برخی از علما و فقها استفاده از تسبیح را برای شماریدن اذکار بخصوص بعد از نماز، چون این عمل توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب کبار صورت نگرفته، آنرا بدعت دانسته و چنین استدلال مینمایند.

تسبیح بدعت است:

در روایت اسلامی آمده است :

که عمرو بن یحیی می گوید: از پدرم شنیدم که از جدم حکایت می کرد که او گفت: ما قبل از نماز صبح بر دروازه منزل عبدالله بن مسعود رضی الله عنه (صحابی گرانقدر پیامبر صلی الله علیه وسلم) می نشستیم تا اینکه او بیرون می آمد و همراه با او به مسجد می رفتیم، در یکی از روزها که کنار دروازه ایشان به انتظار نشسته بودیم، ابو موسی اشعری به نزد ما آمد و پرسید: ابو عبدالرحمان تاکنون بیرون نیامده است؟ گفتم: خیر، اونیز با ما منتظر ماند تا اینکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه خارج شد و همه برخاستیم و نزدش رفتیم، ابو موسی رضی الله عنه به او گفت: ای ابو عبدالرحمان، اندکی پیش در مسجد امری ناآشنا مشاهده کردم و البته بحمد الله چیزی جز خیر ندیدم.

- ابن مسعود رضی الله عنه: چه دیدی؟

- ابو موسی رضی الله عنه: اگر زنده ماندی خود نیز آن را خواهی دید، مردمی را دیدم که در مسجد حلقه زده و به انتظار نماز نشسته بودند و سنگریزه هایی در دست داشتند و در هر حلقه ای مردی با صدای بلند می گفت: صدمرتبه لاله الا الله بگویند و آنها نیز می گفتند، و سپس می گفت: صدمرتبه سبحان الله بگویند و آنها نیز می گفتند.

- ابن مسعود رضی الله عنه: تو به آنها چه گفتی؟

- ابو موسی رضی الله عنه: چیزی نگفتم، به انتظار نظر و امر تو ماندم.

- ابن مسعود رضی الله عنه: چرا به آنها نگفتی تا بدیهای خود را بشمارند؟ و به آنها ضمانت ندادی که از خوبیهایشان چیزی گم نمی شود؟

عبد الله بن مسعود رضی الله عنه به راه افتاد و ما نیز همراه او حرکت کردیم تا اینکه نزد یکی از آن حلقه ها آمد و کنار آنان ایستاد و پرسید: مصروف چه کار هستید ؟

گفتند: ای ابو عبدالرحمان، با این سنگریزه ها اذکار و تسبیحات را می شماریم.

- ابن مسعود رضی الله عنه: بهتر است بدیهای خود را بشمارید من ضامن هستم که از نیکی های شما چیزی گم نشود، وای بر شما، ای امت محمد، چه زود دارید هلاک می شوید، یاران پیامبر شما درهمه وجود دارند، لباسهای پیامبر صلی الله علیه وسلم تا کنون کهنه نشده و ظرفهایشان هنوز نشکسته اند، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، یا شما بر دینی برتر از دین محمد هستید و یا اینکه گشایندگان دروازه ضلالت و گمراهی هستید.

ای ابو عبدالرحمان: والله، ما اراده ای جز خیر نداشتیم.

- ابن مسعود رضي الله عنه: چه بسیارند افرادی که اراده خیر دارند اما به آن نمی رسند، رسول الله صلي الله عليه وسلم به ما فرمودند: گروهی قرآن را می خوانند ولي قرائت شان از ترقوه (استخوان بالای سینه وزیرگردن) آنان نمی گذرد، سوگند به الله ، نمی دانم شاید اکثر آن افراد از شما باشند.

سپس از آنان روی گردانید. عمرو بن سلمه می گوید: بیشتر افراد آن حلقه ها را دیدم که در جنگ نهروان همراه با خوارج، با ما می جنگیدند.

(یادداشت حدیث متذکره از جمله احادیث صحیح بوده مراجعه شود به سنن دارمی حدیث شماره 210، مجمع الزوائد هیثمی ج 1/ص 181، السلسلة الصحيحة للالبانی، حدیث شماره 2005).

این روایت در بر گیرنده ي اصول و قواعد بزرگی به شرح زیر است که تنها کسانی که از سنت پیامبر(صلي الله عليه وسلم) پیروی کرده و از دستورات خدا و رسولش سرپیچی نمی کنند از آن آگاهی می یابند:

1- علماء میگویند : کسیکه غایت وهدف را تشریح کرده ،وسيله را هم فراموش نکرده است : مثلاً وقتی که الله «ذکر»را تشریح کرده وسيله آن را هم فراموش نکرده است.

طوریکه در فوق تذکر دادیم که پیامبر(صلي الله عليه وسلم)با(بندهای)دست وانهم راست خود تسبیحات را حساب می کرد و می گفت : « این (بند)ها در روز قیامت گواهی می دهند.»

2- بدعت اضافی گمراهی است، و آن بدعتی است که اصل آن مستند به دلیلی است ولي کیفیت و روش آن غیر مستند است. این نوع بدعت را بدعت اضافی نامیده اند؛ چون نه بطور کامل مخالف سنت است و نه بطور کامل با آن موافقت دارد.

3- پروردگار ما تنها با روشها يي پرستش می شود که خود آنها را تشریح کرده است و نه از روی هوا و عادتها و بدعتها.

4- بدعت، سنت را از بین می برد. آن افراد بدعت گذار، روشی را برا یذکر اختراع کرده بودند که از نزد پیامبر صلي الله عليه وسلم روایت نشده بود و با این کار سنت پیامبر(صلي الله عليه وسلم) را از بین بردند. واین اصلی است که سلف صالح آنرا فهمیده و به یقین دریافته اند که بدعت و سنت با هم جمع نمی شوند. تابع گرانقدر، حسان بن عطیه (رضی

الله عنه) گفته است: «ما ابتدع قوم بدعة في دينهم، إلا نزع من سنتهم مثلها» «هر ملتی که بدعتی را در دین خود ایجاد کند، سنتی همانند آن از آنان گرفته می شود» (دارمی با سند صحیح)

5- بدعت باعث نابودی می شود؛ چرا که بدعت منجر به ترک سنت می شود و این گمراهی بزرگی است. صحابی گرانقدر عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) گفته است: «ولو ترکتم سنة نبیکم للظلمتم» «اگر سنت پیامبرتان را رها کنید، گمراه می شوید». (مسلم)

و اگر امتی گمراه شده، نابود می شود. و به همین علت بود که عبد الله بن مسعود به آن حلقه های ذکر گفت: «وای بر شما ای امت محمد! هلاک و نابودی شما چقدر سریع است!». 6- بدعت پیک کفر است؛ چرا که شخص بدعت گذار در واقع خود را قانون گذار و نظیر خدا قرار داده و خواسته است که احکام احکم الحاکمین را از سر بگیرد و پنداشته است که وی بر آیینی بهتر از دین محمد صلی الله علیه وسلم است.

7- بدعتها باب اختلاف که باب گمراهی است را باز می کنند. و هر کس بنیان گذار سنت بدی در اسلام باشد گناه آن و گناه هر کس که بدان عمل کند تا روز قیامت بر عهده ی وی خواهد بود بدون این که از گناه آنان چیزی کم شود؛ چون کسی که مردم را به شر و بدی راهنمایی می کند ، همانند انجام دهنده آن است.

8- کم اهمیت جلوه دادن بدعت ها منجر به فسق و نافرمانی می شود ؛ مثلاً همان افرادی که در حلقه های ذکر مرتکب بدعت شدند ، بعدها در جنگ نهروان بر علیه اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و سرکرده ی آنها امیر المؤمنین علی بود جنگ کردند و در نهایت امیر المؤمنین علی آنان را ریشه کن کرد. یکی از علمای اسلامی به نام حسن بن علی بر بهاری از یاران امام احمد بن حنبل (رحمه الله) گفته است:

«از بدعتهای کوچک پرهیز که بدعت کوچک به بدعتهای بزرگ تبدیل می شوند. و هر بدعتی که در امت به وجود آمده است، در ابتدا کوچک و شبیه حق بوده و شخص بدعت گذار فریفته آن شده و بعداً نتوانسته است از آن بیرون بیاید و در نتیجه بدعت بزرگ شده و به دین شخص بدعت گذار تبدیل شده است و بدین ترتیب شخص بدعت گذار با راه راست مخالفت کرده و از

اسلام خارج شده است. پس از هرکسیکه یک سخن در امور دینی بشنود ، نباید عجله بخرچ دهد که بدان عمل کند باید در مورد تحقیق کند ، صحت و سقم انرا در یابد و تحقیق نماید که آیا یکی از اصحاب پیامبر (صلي الله عليه وسلم) یا یکی از علماء در این زمینه سخني گفته است یا نه. پس اگر اثری از آنان را دیدی به آن تمسک کن و گرنه از آن بگذر تا وارد آتش جهنم نشوی.»

(قاضي محمد بن أبي يعلي، طبقات الحنابلة، بيروت، دارالمعرفة، ج2، ص19-18).

9- ابن قيم الجوزیه در مدارج السالكين میفرماید :

اعمال نیک به نیت نیک بستگی دارد ولي نیت نیک هیچ باطلی را به حق تبدیل کرده نمی کند؛ چون نیت به تنهایی برای تصحیح عمل کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید آن عمل مطابق با شریعت هم باشد.

(مواخذ :ابن قيم الجوزية، مدارج السالكين، بيروت، دارالكتاب العربي، ج1، ص85).

10- زیاده روی در کار نیک خوب نیست بلکه بد است. واین، امری است که در هر چیزی مشاهده می شود؛ چون هرچیزی که از حد خود گذشت به ضد خود تبدیل می شود ؛ مثلاً شجاعت اگر از حد خود بگذرد به بی باکی و بی پروایی و اگر از حد خود کمتر شود به ترس تبدیل می شود. هم چنین کرم و بخشش اگر از حد خود بگذرد به اسراف و تبذیر تبدیل می شود و اگر از حد (متعارف) خود کمتر شود، بخل و خست به حساب می آید. پس بهترین کارها حد متوسط آن ها است.

عبدالله بن عمر رضي الله عنهما از مرد که عطسه کرده بود ، شنید که گفت: «الحمد لله و الصلاة والسلام علي رسول الله» پس عبدالله بن عمر رضي الله عنهما به او گفت : پیامبر(صلي الله عليه وسلم) این چنین به ما یاد نداده است بلکه فرموده است: «ما هكذا علمنا رسول الله(صلي الله عليه وسلم) بل قال: إذا عطساً حد كم فليحمدالله، و لم يقل : و ليصل علي رسول الله»

«هر گاه یکی از شما عطسه کرد، حمد و ستایش خدای را بجا بیاورید و بگوید الحمد لله نفرموده که بر رسول خدا هم صلوات بفرستید.» (ترمذی)

از سالم روایت شده که گفت: «با(عبداللہ) ابن عمر رضی اللہ عنہما در مسجد نشسته بودم که مردی شامی آمد و از او درباره ی حج تمتع سؤال کرد.

ابن عمر گفت: کار خوبی است.(مرد شامی) گفت: ولی پدر شما از آن نہی می کرد.(ابن عمر رضی اللہ عنہما) گفت: وای بر تو ! آیا اگر پدر من از آن نہی کرده است در حالی که رسول خدا(صلی اللہ علیہ وسلم) آن را انجام داده و به آن دستور داده است، به گفته پدر من عمل می کنی یا به دستور رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم)؟

(مرد شامی) گفت: به دستور رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم) عمل می کنم.(ابن عمر رضی اللہ عنہما) گفت پس بلند شو و برو!»

(طحاوی در کتاب «شرح المعانی الآثار» با سند صحیح آن را روایت کرده است)

نمونه های که بیان شد فوائد زیر را در بر دارد:

اصحاب پیامبر(صلی اللہ علیہ وسلم) هر گونه مخالفت با سنت صحیح پیامبر (صلی اللہ علیہ وسلم) را رد کرده چه بسا ایشان سخت گیری زیادی می کردند هر چند مخالفان سنت، پدران، فرزندان و علمایشان بوده باشند.

واللہ اعلم بالصواب ختم

مآخذها و یادداشت:

روایات تاریخی هم وجود دارد که بی بی فاطمه برای اذکار و تسبیحات خویش نخ با 34 گره داشت و بعد از نماز (33 سبحان اللہ) و (33 الحمد للہ) و (33 بار اللہ اکبر) و سایر تسبیحات را بعمل میاورد .

1- احادیث نبوی

2- مجموع فتاوی شیخ ابن باز

3- دروس دینی و فتاوی و بیانات شیخ امین اللہ

4-مجموع فتاوی شیخ ابن عثیمین و شیخ ابن جبرین

نام مقاله : تسبیح در شریعت اسلامی

تتبع و نگارش : الحاج امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

ادرس ارتباطی : بریننا لیک :

saidafghani@hotmail.com